



## داروگ

خشک آمد کشتگاه من  
در جوار کشت همسایه .  
گرچه می‌گویند : « می‌گریند روی ساحل نزدیک  
سوگواران در میان سوگواران  
قاصد روزان ابری ، داروگ ! کی می‌رسد باران ؟

بر بساطی که بساطی نیست ،  
در درون کومه‌ی تاریک من که دَرّه‌ای با آن نشاطی نیست  
و جدار دنده‌های نی به دیوار اتاقم دارد از خشکیش می‌ترکد  
- چون دل یاران که در هجران یاران -  
قاصد روزان ابری ، داروگ ! کی می‌رسد باران ؟

نیما یوشیج